

هفت) «جواب مرحوم تهرانی از دور» (سومین جواب)

مرحوم شیخ هادی تهرانی از شاگردان شیخ انصاری بر «دور» اشکال کرده است. این اشکال را مرحوم اصفهانی در
نهایة الدراية مطرح کرده و از آن جواب داده است:

«ربما يقال» معنی کون التبادر علامة كونه دليلاً إتياناً على الوضع حيث أنه معلول له، و هو لا يقتضى إلا
كون الوضع مقتضياً به و العلم شرط تأثيره فلا مجال لتقرير الدور، حيث انّ صفة الاقتضاء و المعلولیة غیر موقوفة
على العلم، كما لا مجال لدفعه بأنه علامة للجاهل عند العالم فانّ صفة المعلولیة بالمعنى المذكور ثابتة فی حدّ ذاتها
من غیر نظر إلى العالم و الجاهل»^۱

توضیح:

(۱) معنای اینکه تبادر علامت وضع باشد، آن است که تبادر معلول وضع باشد تا به طریق برهان آنی بر وضع دلالت
کند.

(۲) اما این مطلب به این معنی (اقتضا) است که وضع مقتضی است و علم به وضع شرط تأثیر است. [پس وضع مقتضی
یعنی جزء العلة است.]

(۳) پس دور مطرح نمی شود چراکه مقتضی بودن (جزء العلة بودن) متوقف بر علم نیست. [یعنی علم ثانوی حاصل از
تبادر است و تبادر معلول وضع است و علم اولیه صرفاً شرط تأثیر علیت وضع است.]

(۴) مرحوم اصفهانی در جواب می نویسد: این جواب، دور را رفع نمی کند، چرا که همانطور که معلول متوقف بر علت
است، متوقف بر جزء العلة هم هست (علم به وضع معلول تبادر ← تبادر معلول وضع + علم به وضع).

ما می گوئیم :

در کلام مرحوم تهرانی ۲ احتمال وجود دارد.

الف) همان است که در کلام مرحوم اصفهانی مطرح شد:

وضع + علم به وضع ↔ تبادر معنی از لفظ ↔ علم به وضع
علت معلول/علت معلول

و جواب از این هم، طبیعتاً همان است که در کلام مرحوم اصفهانی مطرح شد و شهید صدر نیز به آن توجه داده اند

و کلام مرحوم تهرانی را عجیب دانسته اند.^۲

۱. نهایة الدراية، ج ۱ ص ۴۵

۲. بحوث فی علم الأصول، ج ۱ ص ۱۹۴

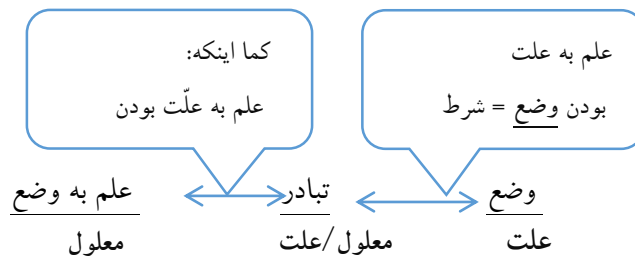


ب) احتمال دوم:

مقدمه: در هر برهان آئی لازم است ما علاوه بر اینکه معلول را می شناسیم، علم به معلول بودن آن برای علت هم داشته باشیم. یعنی باید هم معلول را بشناسیم و هم ملازمه بین او و علت را بدانیم (همین طور در برهان لَمّی، باید علاوه بر علم به علت، علم به ملازمه و علت بودن آن برای معلول داشته باشیم)

حال ممکن است مرحوم تهرانی بخواهد بگوید:

وضع علت تبادر است و تبادر علت علم به وضع (پس دوری در کار نیست) اما آن علمی که لازم است علم به «علیت وضع برای تبادر» است. پس:



اگر چنین مطلبی را از کلام مرحوم تهرانی استفاده کنیم، می گوییم:

۱) در این صورت مشکل دور حل می شود چراکه علم در ناحیه معلول، علم به وضع است و در ناحیه علت علمی در کار نیست و آن علمی که مطرح است، علم به ملازمه است که شرط تأثیر برهان است (و نه شرط تأثیر علت) و لذا این مطلب و احتمال را نمی توان به عنوان «برداشت مرحوم اصفهانی و مرحوم صدر از کلام مرحوم تهرانی» مطرح کرد. (چرا که آنها با تأکید بر دور حرف مرحوم تهرانی را رد کرده اند).

۲) ولی این حرف هم از مرحوم تهرانی کامل نیست چراکه:

اولاً: وضع امری اعتباری است و تبادر امری ذهنی و گفته ایم که علت اعتباری نمی تواند جز معلول اعتباری، معلولی را پدید آورد.

ثانیاً: بالوجدان آنچه علت تبادر است، علم به وضع است و نه نفس وضع، و الا وضع لغات چینی و ژاپنی باید علت برای تبادر آن معانی در ذهن ما هم می شد.

۳) در هر صورت کلام مرحوم تهرانی، باطل است.



هشت) جواب مرحوم صدر از اشکال دور (چهارمین جواب)

ایشان با اشاره به مبنای خودشان در باب حقیقت وضع (قرن اکید بین لفظ و معنی به اینکه با شنیدن لفظ، چنین باشد که گویی معنی را شنیده ایم) می نویسد:

«و لكن بناء على مبنانا في حقيقة الوضع لا يتأتى إشكال الدور أصلاً، لأننا قلنا في حقيقة الوضع: إنه القرن الأكيد الشديد بين اللفظ و المعنى، و حينئذٍ من الواضح أن القرن بنفسه يكون سبباً في التبادر، قبل أن يحصل العلم بالوضع، و يمكن معرفة ذلك بالإلتفات إلى الطفل حيث يحصل عنده التبادر من لفظ (حليب) إلى المعنى المخصوص، مع أن الطفل لا علم له بالوضع.

و نقول: بأن العلم بالوضع يتوقف على أن يكون هناك إنسباق و تبادر للمعنى من اللفظ. و أما التبادر لا يتوقف على العلم بالوضع، بل على روح الوضع، و هو القرن، فلا أساس لإشكال الدور.»^۱

توضیح:

(۱) توجه شود که ایشان «قرن شدید» بین لفظ و معنی را در جامعه و عرف آن زبان وضع می داند و نه در همه جا،

و الا هیچ لفظی چنان همراهی با معنا ندارد که همه با شنیدن لفظ به آن معنی پی ببرند.

(۲) مبنای ایشان در وضع مورد قبول نبود.

(۳) اما علی المبنای هم کلام ایشان کامل نیست چراکه اگرچه وضع قرن اکید باشد، باز هم تا علم به آن نداشته باشیم،

تبادر پدید نمی آید کما اینکه در لغات دیگر هم قرن اکید بین الفاظ و معانی هست.

جمع بندی «تبادر عند العالم» :

چنانکه دانستیم این نوع تبادر علامت کشف معنی می باشد و اشکال دور را می توان به وسیله جواب مرحوم آخوند

و جواب مطرح شده رد کرد.

۱. تمهید فی مباحث دلیل لفظی / شیخ حسن عبد الساتر، ج ۲ ص ۲۱۳

